

کارگروه فشار حداکثری علیه تهران دست به کار شد
اکنونمیست: باید از صادرات محصولات کشاورزی ایران
به کشورهای خلیج فارس جلوگیری کرد

کمپین علیه خیار ایرانی

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۳ صفر ۱۴۴۷ | ۲۰۲۵ گوست ۲۷ | سال هفدهم | شماره ۸۴۳۸ | صفحه ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



بررسی موج بازنمایی خشونت در سینمای ایران
و شبکه نمایش خانگی طی سال‌های اخیر

بن‌بست بی‌رحمی

صفحه ۸



علیه

طرح تحلیلی دشمن

یادداشت روز
جعفر علیان‌نژادی

در ماجرای جنگ تحمیلی کلیت مردم در مجموع نشان دادند شجاعت بیشتری از خیل مدعیان تریبون‌دار دارند.

– کسانی که انسان احتمال نمی‌داد محکم باشند، مردانه ایستادند و میدان را رها نکردند. – افرادی که ظاهری غلطانداز داشتند، حرف‌هایی در دفاع از خاک و نظام و رهبر انقلاب می‌زدند که به مخیله هیچ کس خطور نمی‌کرد.

– برخی افراد همیشه معترض که از عالم و آدم شاکي بودند، می‌گفتند «خیلی برای ما افت داره از یهودی (صهیونیست) جماعت بخوریم و باید محکم وایستیم و جواب له‌کننده بدم». از مجموع این صحنه‌ها، آنچه قابل برداشت بود، مطالبه کم‌سابقه اقتدار از سوی مردم در برابر دشمن متجاوز بود. میل به بسیج و سازماندهی دفاعی حتی در مردم هم بیشتر شد. طیف‌های وسیعی از مردم که عموماً در گیر اشتغالات روزمره و زندگی عادی بودند، سیاسی شده و شدیداً پیگیر اخبار بودند.

انرژی متراکمی شکل گرفت و واقعیتی سخت را به دشمن تحمیل کرد. با اینکه دشمن در میدان نظامی متوقف شده بود اما صحنه جنگ ترکیبی را ترک نگفت و فازی جدید را شروع کرد که مهم‌ترین هدفش، تخلیه بار انرژی شکل گرفته است.

خطر اصلی‌ای که دشمن لمس کرد، این بود که بین «داشته‌های مردم و قوای مسلح» با «اراده‌مسان برای کوبیدن دشمن» هیچ فاصله و تردیدی وجود ندارد. تحلیل غلط دشمن برای ایجاد ترس و لرزاندن اراده‌ها در حمله نظامی جواب نداد اما این تحلیل غلط منجر به محاسبه‌ای جدید در دشمن شد که به نحوی این روزها لازم است نسبت به آن هوشیارتر باشیم.

در این یادداشت کوتاه می‌خواهم به مواردی اشاره کنم که ممکن است بین دست پر یا داشته‌های ما برای دفاع و اراده مقتدرانه استفاده از آن در لحظه لازم شکاف بیندازد. الف- خوانش ماتریالیستی صحنه: این روزها تریبون‌هایی رونق گرفته و گفتارهایی اعتبار می‌یابد که تنها به مقایسه لجستیک نظامی، فنسآوری دفاعی و توان امنیتی ما با دشمن می‌پردازد. کلدیواژه غلطانداز این دسته، عبارت «روی زمین» است و مدام می‌گویند به من بگو چه روی زمین داری تا بگویم کیستی و چیستی... خروجی مسلّم این تحلیل‌ها، تحقیر داشته‌های فعلی و سرزنش و سرکوفت تصمیمات و رفتارهای فرماندهان و مسؤولان می‌شود. علی‌علاوه یکی از اصلی‌ترین عناصر صورت چنین گفتارهایی است.

ب- یاس تحلیلی با خوانش غیر توحیدی صحنه: این محور که به نحوی پیامد رونق تحلیل‌های ماتریالیستی است، مطّوف به تأثیرپذیری برخی عناصر تبیینی و تحلیلگران داخلی است که با وجود تذکرات و گفتارهای پیاپی رهبر انقلاب، در حال خوانش غیر توحیدی صحنه هستند. به نظر می‌آید این دسته دچار لرزش معرفتی شده‌اند و نمی‌توانند بین «جدی دانستن دشمن» با «بزرگ دانستن دشمن» تفاوت قائل شوند. در خوانش توحیدی صحنه دشمن جدی دانسته شده (نه بزرگ) و در برابر دشمن جدی، باید جدیت خود را نشان داد. در زمان توقف آتش باید به شجاعت تحلیلی جدیت خود را به دشمن نشان داد، اینکه نه با آیه یاس خواندن و مداومت در گفتارهای هشدارآمیز و ترساننده، او را نزد مردم بزرگ کرد. کلدیواژه غلطانداز این دسته «دیدید گفته بودیم» است و مدام فخرفروشی تحلیلی می‌کنند.

پ- میل به کمی کردن و نادیده گرفتن متغیرهای کیفی: برخی عناصر تحلیلگر، اقدام به مشاوره حداکثری با هوش مصنوعی برای برآورد کمی قدرت دشمن و قدرت خودی می‌کنند. این دسته همه چیز را به عدد تبدیل می‌کنند و هر مؤلفه قدرتی را که به عدد تبدیل نشود، کنار می‌گذارند. مثلاً شانس چندانی برای مؤلفه ایمان و اراده قائل نبوده و منطق تکنولوژی را خفه‌کننده و فائق‌آمده بر این عنصر می‌فهمند و پیشنهاد می‌دهند تا زمان جبران فاصله فناوریانه، فعلاً از سلاح ایمان و باور حرف نزنیم. آنها به نحوی تکنولوژی را زیربنای ایمان می‌دانند، نه برعکس.

بر این موارد تعداد بیشتری می‌توان افزود و شباهت است این کار را کرد اما هدف آن بود که در هر تحلیل یا تبیینی متوجه طرح تحلیلی دشمن بوده و به آثار و پیامدهای «ران‌روسی» پیام‌ها و گفتارهای خود بیندیشیم. طرح دشمن خالی کردن بار انرژی متراکم حدیثی است، تبیین‌ها باید برهم زننده محاسبه دشمن بوده و برای پاسخگویی به مطالبه اقتدار مردم بسیج شود.

یکی از مهم‌ترین پیام‌های جنگ تحمیلی ۱۲روزه

ضعف دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در شناخت مردم ایران است

شکست محاسبات موساد



راه انداختن جنگ علیه ایران است.

گزارش فارن پالیسی به وضوح می‌گوید محاسبات موساد در هدف‌گذاری جنگ بویژه هدف براندازی در ایران کاملاً اشتباه بوده است.

بر اساس گزارش‌های موساد و ادعاها و القاتات آن بخش از اپوزیسیون ایرانی که اکنون با رژیم صهیونیستی به اصطلاح بر خورده‌اند، حوادث پاییز ۱۴۰۱ مهم‌ترین و بارزترین شاهد بر شکاف‌های عمیق و گسترده اجتماعی در ایران بود. در واقع نتایج‌ها به این نتیجه رسیده بود جنگ علیه ایران، همان جرقه‌ای است که باعث فعال شدن گسل‌های حوادث پاییز ۱۴۰۱ می‌شود اما جنگ به وضوح به نتایج‌ها ثابت کرد برآوردهای موساد و القاتات اپوزیسیون ایرانی درباره واکنش مردم ایران به جنگ کاملاً اشتباه است. مطلقاً نباید در دام این ادعا افتاد که ۱۲روزه مقدمه‌ای برای پروژه تغییر نظام سیاسی، در ایران بود و رژیم صهیونیستی اکنون به دنبال عملیاتی کردن فازهای جدید آشوب و ناامنی در ایران است تا طی یک پروسه میان‌مدت، این هدف محقق شود؛ نه! رفتار و اظهارات نتایج‌ها به وضوح نشان می‌دهد او و افسران موساد پیش‌بینی می‌کردند آشوب و ناامنی در خلال جنگ رخ خواهد داد. به همین دلیل نتنها وارد گفت‌وگو با مردم ایران شدند، بلکه به برخی مراکز مربوط به تأمین نظم و امنیت کشور از جمله فراجا، پلیس فتا، برخی پایگاه‌های بسیج و حتی هلال احمر و در نهایت زندان اوین حمله کردند. پروژه کاملاً مشخص بود اما ناکام ماندند. البته ماجرا صرفاً به عدم همراهی مردم ایران با نقشه خطرناک رژیم صهیونیستی محدود نمی‌شود.

جنگ باعث واقع گرایی بخش مهمی از جامعه بویژه نسل جوان شد؛ همان نکته مهمی که فارن پالیسی به آن اشاره کرد. آنچه فارن پالیسی به آن اشاره کرد، در فضای جامعه کاملاً قابل رصد و مشاهده است. بخش مهمی از جامعه که قبل از جنگ، منتقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی بویژه سیاست‌های نظام در قبال جبهه مقاومت بودند، اکنون تغییر دیدگاه داده‌اند. از حضور تیپ‌ها و ذائقه‌های متنوع در تجمعات نماز جمعه و مراسم تشییع پیکرهای مطهر فرماندهان و شهدای جنگ گرفته تا ابراز دیدگاه در فضای مجازی، مصداقین بروز این تغییر دیدگاه است. در واقع آنچه نتایج‌ها نسبت به آن چشم طمع داشت، اکنون به یک فرصت و ظرفیت برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است. اگر در چشم موساد و نتایج‌ها اختلافات، انتقادات و اعتراضات به عنوان تعمیق شکاف‌های اجتماعی تلقی و این موضوع به ظرفیت زمینه‌ساز برای شورش علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده بود، اکنون مشخص شده است این تهدید تبدیل به یک فرصت برای ایران شده. در واقع بخش مهمی از آنچه نتایج‌ها بر آن به عنوان

روژه علیه ایران را زیر سوال می‌برد. در این ۴۰ روز پس از توقف جنگ، رسانه‌ها و صاحب‌نظران متعددی با افشای برخی اتفاقات جنگ؛ همچنین تحلیل واقعیت‌های آن، این مهم را گوشزد کردند که روایت دقیق و واقع‌بینانه بین این رسانه‌ها اما شاید گزارش اخیر فارن پالیسی، مهم‌ترین مورد از ادعاهای رسانه‌های غرب به شکست رژیم صهیونیستی در پیگیری اهداف جنگ بوده است. بر اساس گزاره‌های مشهود، مهم‌ترین هدف این جنگ از نظر نتایج‌ها، تغییر نظام سیاسی ایران بود. نتایج‌ها چندین بار بر پیگیری این هدف تأکید کرده بود. او حتی تلاش کرد مستقیماً با مردم ایران گفت‌وگو کند. دستور کار موساد برای رضا پهلوی در طول جنگ تحمیلی ۱۲روزه نیز به وضوح نشان داد این موضع نتایج‌ها صرفاً یک عملیات روانی نیست و او واقعاً به دنبال تغییر نظام ایران از تجاوزه به خاک ایران را اعلام و تشریح کرد. حالا با گذشت بیش از ۴۰ روز از زمان توقف جنگ، آشکار شدن تدریجی واقعیت‌های جنگ نشان می‌دهد او در رسیدن به این اهداف، کاملاً ناکام مانده است. خاصه میزان تحقق هدف بلندپروازانه او مبنی بر تغییر نظام سیاسی در ایران، اکنون کاملاً شفاف است. بلافاصله پس از توقف جنگ نتایج‌ها در بیانیه‌ای، رژیم صهیونیستی را پیروز (!) نبرد ۱۲روزه اعلام کرد اما این بیانیه او با واکنش تحلیلگران و رسانه‌ها مواجه شد و این صاحب‌نظران و رسانه‌ها با اشاره به واقعیت‌های جنگ، به او یادآوری و گوشزد کردند ادعاهایش بی‌اساس است. چندی پیش روزنامه تلگراف در گزارشی، با افشای برخی حملات ایران به پایگاه‌های مهم نظامی رژیم صهیونیستی و خسارات هنگفتی که این حملات به رژیم وارد کرده، نوشت وقتی نتایج‌ها سیاست سانسور و پنهان‌کاری واقعیات جنگ را در پیش گرفته است، قضاوت درباره نتایج این جنگ و پیروزی واقعی آن، پیچیده‌تر می‌شود. در واقع تلگراف به این نکته مهم اشاره کرد که با توجه به تلاش تل‌اوو برای پنهان کردن خساراتی که در جنگ متحمل شده، ادعای نتایج‌ها مبنی بر پیروزی در این جنگ، فاقد اعتبار است. چندی قبل تر، نشریه میدل ایست آی، یکی دیگر از واقعیت‌های پنهان جنگ را افشای کرد. این نشریه به نقل از منابع آگاه خود در کشورهای عرب نوشت: مقامات ۳ کشور عرب بر اساس اخبار دریافتی خود به این نتیجه رسیدند که پیشنهاد آتش‌بس، نخستین بار توسط نتایج‌ها مطرح شد و نخستین بار نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود که در روزهای پایانی جنگ از ترامپ خواست از طریق واسطه‌ها ایران را متقاعد کند جنگ متوقف شود. در واقع این افشاکاری میدل ایست آی نیز گزاره‌ای است که اعتبار ادعای نتایج‌ها درباره نتیجه جنگ تحمیلی ۱۲

گزارش

محمد صدرا مرادی

وقتی می‌گوییم رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲روزه علیه ایران شکست خورد، این صرفاً یک واکنش احساسی و هیجانی و از سر وطن دوستی نیست. اینکه رژیم صهیونیستی نتوانست به هیچ کدام از اهداف اعلامی و تعیین شده خود در این جنگ برسد، صرفاً یک گزاره تحلیلی نیست. واقعیت‌ها و شواهد موجود نشان‌دهنده خطای محاسباتی دشمن درباره جنگ با ایران و اهداف تعیینی آن است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین پیام جنگ ۱۲روزه، ضعف موساد در برآورد مختصات فکری و رفتاری جامعه ایران است. شکست موساد موضوع بسیار مهمی است و برای رژیم هزینه‌ساز شده است. نتایج‌ها از ابتدای جنگ، در چندین نوبت اهداف خود از تجاوزه به خاک ایران را اعلام و تشریح کرد. حالا با گذشت بیش از ۴۰ روز از زمان توقف جنگ، آشکار شدن تدریجی واقعیت‌های جنگ نشان می‌دهد او در رسیدن به این اهداف، کاملاً ناکام مانده است. خاصه میزان تحقق هدف بلندپروازانه او مبنی بر تغییر نظام سیاسی در ایران، اکنون کاملاً شفاف است. بلافاصله پس از توقف جنگ نتایج‌ها در بیانیه‌ای، رژیم صهیونیستی را پیروز (!) نبرد ۱۲روزه اعلام کرد اما این بیانیه او با واکنش تحلیلگران و رسانه‌ها مواجه شد و این صاحب‌نظران و رسانه‌ها با اشاره به واقعیت‌های جنگ، به او یادآوری و گوشزد کردند ادعاهایش بی‌اساس است. چندی پیش روزنامه تلگراف در گزارشی، با افشای برخی حملات ایران به پایگاه‌های مهم نظامی رژیم صهیونیستی و خسارات هنگفتی که این حملات به رژیم وارد کرده، نوشت وقتی نتایج‌ها سیاست سانسور و پنهان‌کاری واقعیات جنگ را در پیش گرفته است، قضاوت درباره نتایج این جنگ و پیروزی واقعی آن، پیچیده‌تر می‌شود. در واقع تلگراف به این نکته مهم اشاره کرد که با توجه به تلاش تل‌اوو برای پنهان کردن خساراتی که در جنگ متحمل شده، ادعای نتایج‌ها مبنی بر پیروزی در این جنگ، فاقد اعتبار است. چندی قبل تر، نشریه میدل ایست آی، یکی دیگر از واقعیت‌های پنهان جنگ را افشای کرد. این نشریه به نقل از منابع آگاه خود در کشورهای عرب نوشت: مقامات ۳ کشور عرب بر اساس اخبار دریافتی خود به این نتیجه رسیدند که پیشنهاد آتش‌بس، نخستین بار توسط نتایج‌ها مطرح شد و نخستین بار نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بود که در روزهای پایانی جنگ از ترامپ خواست از طریق واسطه‌ها ایران را متقاعد کند جنگ متوقف شود. در واقع این افشاکاری میدل ایست آی نیز گزاره‌ای است که اعتبار ادعای نتایج‌ها درباره نتیجه جنگ تحمیلی ۱۲

تیتیرهای امروز



دیدار پوتین و ویتکاف

در آستانه پایان ضرب‌الاجل ۱۲روزه ترامپ

جنگ میز و میدان

پیشروی ار تشر روسیه در محور دونباس
همزمان با سفر ویتکاف به مسکو

صفحه ۷

نقش کنترل هوشمند و اقدامات پیشگیرانه پلیس در کاهش ۴۲درصدی شرارت در کشور از ابتدای سال

اشرار غلاف کردند

صفحه ۴

گزارشی از جواشی احتکار برنج
کدام دستگاه‌ها تکالیف خود را انجام ندادند؟

زخم احتکار

صفحه ۳

۳۳۶
ضمیمه طنز
زاهان

از فرات

تا کاخ سفید

به بهانه سالروز صدور فرمان مشروطیت

آوردگاه ۲ جریان مشروطه

نگاه

طاها حسینی

جنبش مشروطه در ایران که اوایل قرن بیستم میلادی (اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری) شکل گرفت، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی – اجتماعی کشور به شمار می‌رود. این جنبش که با هدف مبارزه با استبداد قاجار و برقراری حکومت قانون و عدالت آغاز شد، از مشارکت فعال علمای دینی بهره‌مند بود که نقش مهمی در هدایت افکار عمومی و حمایت از آن ایفا کردند. در این میان، ۲ شخصیت برجسته، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۳۹-۱۲۵۵ قمری) و آیت‌الله شهید شیخ فضل‌الله نوری (۱۳۲۷-۱۲۵۹ قمری)، در ابتدا همسویی قابل توجهی با یکدیگر داشتند. این همکاری در مراحل ابتدایی مشروطه، بویژه در نهضت عدالتخانه و تأسیس مجلس شورای ملی، مشهود بود. اسناد تاریخی نشان می‌دهد این ۲ فقیه بزرگ در آغاز، هدف مشترکی در مبارزه با خودکامی محمدعلی شاه قاجار و برقراری نظامی مبتنی بر عدالت داشتند. برای مثال، نامه‌ای که آخوند خراسانی در دوران استبداد صغیر (۱۳۲۷-۱۳۲۶ قمری) خطاب به محمدعلی شاه نگاشته و ناظم‌الاسلام کرمانی در کتاب تاریخ بیماری ایرانیان آن را ثبت کرده، گواهی بر این همسویی است. در این نامه، آخوند خراسانی از حمایت خود از مجلس و مشروطه سخن می‌گوید که به‌شکسته حضور فعال شیخ فضل‌الله در تهران و حمایت او از جنبش عدالت‌خواهانه شکل گرفته بود.

با این حال، این اتحاد چندان پایدار نماند و بتدریج اختلافاتی میان این دو شخصیت برجسته پدید آمد که تأثیرات عمیقی بر جریان مشروطه گذاشت. این اختلافات که بیش از آنکه ریشه در تفاوت‌های بنیادین فکری داشته باشد، نتیجه تفاوت در تجربه، دسترسی به اطلاعات و برداشت از شرایط روز بود، موضوع اصلی این تحلیل است. ■ ارتباط اولیه و همکاری مشترک

در طلوع جنبش مشروطه، آخوند خراسانی و شیخ فضل‌الله نوری ارتباطی نزدیک و سازنده داشتند که نه تنها از منظر فکری، بلکه از حیث عملی نیز قابل توجه بود. شیخ شهید که در تهران حضور داشت، از پیشگامان نهضت عدالتخانه بود که سال ۱۳۲۲ قمری آغاز شد. او در کنار علمایی چون سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی، نقش مهمی در بسیج مردم و فشار بر مظفرالدین شاه برای امضای فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ قمری (اگوست ۱۹۰۶ میلادی) ایفا کرد. در همان زمان، آیت‌الله‌العظمی آخوند خراسانی که در نجف اشرف اقامت داشت، از طریق فتاوا و نامه‌های خود از این حرکت حمایت می‌کرد.

ادامه در صفحه ۲